



مشارکت مردمی، تضمین کننده موفقیت طرح ۵۵۰ هزار هکتاری احیاء اراضی کشاورزی خوزستان و ایلام

چکیده

یکی از مشکلات ساختاری زمین‌های کشاورزی، کوچک بودن و پراکندگی قطعات زمین‌های کشاورزی است، که چنین آرایشی می‌تواند به عنوان کارکرد مثبت کشاورزی سنتی بشمار آید؛ درحالی که برای رسیدن به کشاورزی مدرن، این عوامل از جمله موانع اصلی توسعه پایدار بشمار می‌آیند. به همین منظور با یکپارچه‌سازی قطعات و اجرای طرح ۵۵۰ هزار هکتاری که شامل اجرای عملیات زیربنایی آب و خاک از جمله اجرای شبکه‌های فرعی آبیاری، زهکش‌های زیر زمینی، تسطیح، تجهیز و نوسازی اراضی می‌باشد، و همچنین با مشارکت مردم در طرح‌های توسعه و واگذاری حفظ و نگهداری طرح‌ها به آنها می‌توان وضعیت مناسبی را در راستای رسیدن به توسعه پایدار ایجاد کرد. مقاله تحلیلی حاضر ضمن پرداختن به مبحث توسعه پایدار، جایگاه مشارکت مردمی در موفقیت طرح ۵۵۰ هزار هکتاری احیاء اراضی کشاورزی خوزستان و ایلام را مورد بررسی و مذاقه قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار، مشارکت مردمی، طرح ۵۵۰ هزار هکتاری

مقدمه

در تداوم حیات انسانی، کشاورزی و تولیدات آن دارای نقش بنیادی بوده است (افروخته و همکاران، ۱۳۹۲). عدم توجه به توسعه کشاورزی، علاوه بر زبان‌هایی از قبیل به خطر افتادن امنیت غذایی و وابستگی کشور به واردات، موجب عقب افتادگی اقتصاد کشاورزان و روستاییان می‌شود (ناصری و همکاران، ۱۳۹۴) که این امر مخالف اقتصاد مقاومتی می‌باشد. بنابراین کشاورزی می‌تواند به عنوان کارکرد اصلی روستا نقش حیاتی را در افزایش رفاه و فقرزدایی بازی کند. از این رو رشد بخش کشاورزی را به عنوان بستری برای کسب اهداف توسعه در کشورهای در حال توسعه امری ضروری می‌دانند (ناصری و همکاران، ۱۳۹۴)، و به همین منظور توسعه کشاورزی در کانون اصلی توجه قرار دارد (کریم و هاشمی، ۱۳۸۸). کشاورزی حرکتی فزاینده رو به نوسازی، توسعه و مهندسی سازی فرآیند تولید دارد؛ اما در این بین، پراکندگی و تعدد قطعات اراضی در کشور به یکی از موانع اصلی توسعه کشاورزی پایدار تبدیل شده است. از آنجا که پدیده پراکندگی و تعدد قطعات اراضی از ویژگی‌های بهره‌برداری‌های دهقانی محسوب می‌شود، توسعه نیافتگی آنها به معنی توسعه نیافتگی کشاورزی و به همین صورت، رفع مشکلات آنها به مثابه رفع موانع توسعه کشاورزی کشور است (ناصری و همکاران، ۱۳۹۴). به همین منظور با یکپارچه سازی قطعات، و به دنبال آن اجرای عملیات زیربنایی آب و خاک، از جمله تجهیز و نوسازی اراضی، شامل قطعه بندی، تسطیح، احداث جاده‌های بین مزارع و قطعات زراعی، و در صورت لزوم احداث زهکش‌های زیر زمینی، وضعیت مناسبی برای توسعه بخش فراهم خواهد آمد (پور مرعشی، ۱۳۷۵). اما مسأله‌ای که در این حیطه وجود دارد و پژوهشگران حوزه اجتماعی، آن را یکی از موانع اصلی توسعه پایدار می‌دانند، برنامه‌ریزی بالا به پایین، بخش‌نگری و کم توجهی به توسعه جامع و یکپارچه روستایی می‌باشد، بنابراین پژوهشگران معتقدند طرح‌های توسعه مانند طرح تجهیز و نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی، بیش از آنکه کاری فنی و فیزیکی و یا حتی اقتصادی باشد، یک کار فرهنگی، اجتماعی و حتی روانی است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۴). از طرفی تحقیقات و تجربیات گذشته بیانگر این واقعیت است که موفقیت هر طرح یا برنامه‌ای در گرو تحقیقات علمی و متناسب با نوع نگرش و باورهای افراد و جامعه و نیز مشارکت آنها می‌باشد (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۸). بنابراین مشارکت مردمی وجه اساسی و در عین حال گم شده توسعه پایدار در روستاها به طور اعم، و در بخش کشاورزی به طور اخص می‌باشد (گل شیرازی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۸).

مفهوم توسعه و توسعه پایدار

توسعه یکی از مفاهیمی است که بعد از جنگ جهانی دوم در مباحث علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و همچنین در مسایل ملی و بین المللی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است (سرور و موسوی، ۱۳۹۰)؛ و شامل پیشرفتی همه جانبه در همه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی،



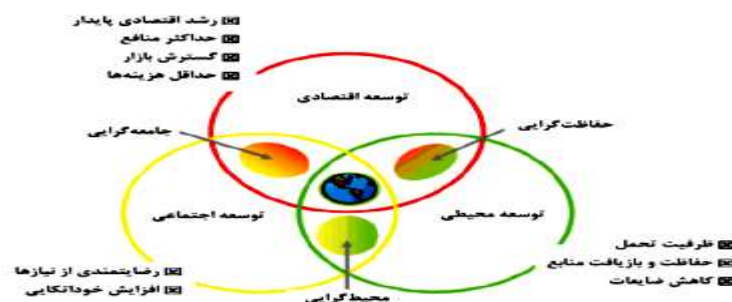
فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی، بویژه با در نظر گرفتن عدالت اجتماعی- اقتصادی و تأمین منافع آیندگان می‌باشد(زندگی و حصار، ۱۳۹۱). در کمیسیون برانت‌لند^۱ توسعه به معنای گسترش فرصت‌ها برای برآوردن همه آرزوها برای رسیدن به یک زندگی بهتر تعریف شده است(موران^۲ و همکاران، ۲۰۰۸). از دیدگاه دادلی^۳ (۱۹۹۳)، توسعه فقط در مورد افزایش ثروت نیست. بلکه به معنای تغییر است؛ تغییر در رفتار، آرمان، و درک جهان اطراف. همچنین رشد به خودی خود توسعه را تشکیل نمی‌دهد. توسعه شامل تغییر انسانی و سازمانی و همچنین رشد اقتصادی است (توسان^۴، ۲۰۰۱). هریس^۵ (۲۰۰۰، ص ۵) به نقل از گزارش آینده مشترک ما^۶، در کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه^۷ (۱۹۸۷)، توسعه پایدار^۸ را چنین تعریف کرده است: "توسعه پایدار توسعه‌ای است که مطابق با نیازهای زمان حاضر بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهای خود است." همچنین توسعه پایدار نقطه توازن و تعادل در جهت اهداف توسعه در هر یک از ابعاد محیطی، اجتماعی و اقتصادی است(مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹). زاهدی(۱۳۸۲) توسعه پایدار را فرایندی می‌داند که طی آن مردم یک کشور نیازهای خود را برطرف می‌کنند و سطح زندگی خود را ارتقاء می‌بخشند، بدون اینکه از منابعی که به نسل‌های آینده تعلق دارد مصرف کنند. پانایوتو^۹ از توسعه پایدار به عنوان یک مفهوم بانکی یاد می‌کند، توسعه‌ای که مثل پس‌انداز می‌ماند و ارزش خالص آن مثبت است و موجب کامیابی در آینده می‌شود(زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵). مفروضات توسعه پایدار عبارتند از:

- ۱- یکپارچگی اقتصادی- محیطی^{۱۰}: تصمیمات اقتصادی باید با توجه به آثاری که بر محیط زیست می‌گذارند اتخاذ شوند.
- ۲- تعهد بین نسل‌ها^{۱۱}: در زمان حاضر تصمیمات باید با توجه به نتایجی که بر محیط زیست نسل‌های آینده دارند اتخاذ شوند.
- ۳- عدالت اجتماعی^{۱۲}: کلیه مردم دارای حق برابری از محیطی هستند که بتوانند در آن محیط رشد کرده و شکوفا شوند.
- ۴ - حفاظت محیطی^{۱۳}: محافظت از منابع و حمایت از دنیای جانوری و گیاهی ضرورت دارد.
- ۵- کیفیت زندگی^{۱۴}: تعریف گسترده‌ای از رفاه بشری باید ارائه شود، به نحوی که از محدوده رفاه اقتصادی فراتر رود.
- ۶- مشارکت^{۱۵}: نهادها باید مجدداً سازماندهی شوند به نحوی که از طریق آنها امکان شنیده شدن کلیه صداها در فرایند تصمیم‌گیری فراهم آید.(زاهدی، ۱۳۸۲؛ به نقل از جاکوبس^{۱۶}، ۱۹۹۵).

ابعاد توسعه پایدار

توسعه پایدار سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیطی را دربرمی‌گیرد، که دارای ساختاری مشخص و نظامی سلسله مراتبی هستند(کریمی و احمدوند، ۱۳۹۳).

¹ - Brundtland
² - Moran
³ - Dudley
⁴ - Tosun
⁵ - Harris
⁶ - Our Common Future
⁷ - World Commission on Environment and Development (1987)
⁸ - Sustainable Development
⁹ - Panayotou
¹⁰ - Economy- Enviroment integration
¹¹ - Intergenerational obligation
¹² - Social justice
¹³ - Enviromental protection
¹⁴ - Quality of life
¹⁵ - Participation
¹⁶ - Jacobs



شکل ۱- ابعاد سه گانه پایداری (منبع: کریمی و احمدوند، ۱۳۹۳)

بنابراین، منظور از توسعه پایدار تنها حفاظت از محیط زیست نیست بلکه مفهومی جدید از توسعه اقتصادی و اجتماعی است، توسعه‌ای که عدالت و امکانات زندگی را برای تمامی مردم جهان مد نظر قرار می‌دهد (کریم و هاشمی، ۱۳۸۸). توسعه پایدار نیازمند دیدی کل‌نگرانه و سیستمی در سیاست‌های توسعه محیطی، اجتماعی و اقتصادی و ایجاد یکپارچگی در این ابعاد دارد (کریمی و احمدوند، ۱۳۹۳). در تبیین نظری مفهوم توسعه پایدار که بر تعامل ابعاد سه گانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیطی تأکید دارد، رویکردهایی چون حفاظت گرای، محیط گرای و جامعه گرای شکل گرفته‌اند. هدف نهایی توسعه اقتصادی رسیدن به رشد اقتصادی پایدار، به حداکثر رساندن منافع، حفاظت و بازیافت منابع، و کاهش ضایعات است، و در توسعه اجتماعی رضایت‌مندی از نیازها و افزایش خوداتکایی معنا یافته است (پورطاهری و همکاران، ۱۳۸۹). علاوه بر این در مبحث توسعه پایدار اجتماعی تأکید بر رفع بی‌عدالتی و بی‌تعادلی در سطح جوامع است که با دو مفهوم مشارکت و توانمندسازی جایگاه ویژه‌ای یافته است و گروهی معتقدند که پایداری اجتماعی دربرگیرنده برابری، تأمین خدمات اجتماعی، پاسخگویی سیاسی و مشارکت اجتماعی می‌باشد (همان). بنابراین فرآیند توسعه پایدار به معنی تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برای حداکثر سازی رفاه انسان فعلی بدون آسیب به توانایی نسل‌های آتی برای برآورده کردن نیازهایشان می‌باشد (فداکارداورانی و سام آرام، ۱۳۸۹) و همچنین یکی از اضلاع مهم توسعه پایدار ضلع اجتماعی آن است که مشارکت اجتماعی نمود و تجلی بارز آن است.

مشارکت و توسعه پایدار

اصطلاح مشارکت^{۱۷} در دهه ۱۹۶۰ به دنبال مطرح شدن مقوله توسعه مفهوم کاربردی و وسیعی به خود گرفت، به نحوی که در توسعه پایدار مشارکت را هدف و وسیله توسعه می‌دانند (وثوقی و فرجی، ۱۳۸۵). در کشورهای در حال توسعه، بیش از پیش به همکاری، همیاری و مشارکت فعال مردم به منظور دستیابی به توسعه پایدار نیاز دارند (سروستانی و همکاران، ۱۳۹۱) به گونه‌ای که، مشارکت مردمی یکی از راه‌های رسیدن به پیشرفت و توسعه می‌باشد که از سوی محافل علمی کشورهای جهان مورد قبول واقع شده است. رهیافت‌های مشارکتی مردم محلی را برای داشتن نقش مؤثر در سرنوشت خود آماده می‌کند و آنها را قادر می‌سازد تا در فرآیندهای توسعه و حفاظت مشارکت نمایند (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۴)؛ زیرا دستیابی به اهداف توسعه پایدار بدون نهادینه شدن مشارکت روستاییان در فرآیند توسعه امری محال است؛ و تجربه‌های گذشته دولت در مناطق مختلف کشور، خصوصاً در روستاها، نشان داده که عدم تعلق خاطر مردم به طرح‌های اجرایی بر اثر عدم دخالت آنها در فرآیند برنامه‌ها در دراز مدت زمینه شکست این گونه طرح‌ها را فراهم آورده است (فعلی و همکاران، ۱۳۸۹).

مفهوم مشارکت

مشارکت از نظر لغوی بر وزن مفاعله به معنای شرکت دو جانبه و متقابل افراد برای انجام امری است. و از نظر جامعه‌شناسی مشارکت نوعی فرایند تعاملی چند سویه است (گل شیرینی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۸). ریشه لاتین این کلمه از واژه participate به معنای با خود داشتن و از نفس خویش چیزی از غیر داشتن، سهمی در چیزی غیر از خود داشتن است (علی حسایی، ۱۳۹۰). مشارکت در مفهوم گسترده‌اش به معنی برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه به معنی افزایش درک و توان روستاییان جهت پاسخگویی به طرح‌های توسعه

¹⁷ - Participation



و نیز به مفهوم تشویق ابتکارات محلی لست(خسروی پور و فروشانی، ۱۳۹۰). از دیدگاه برکلی^{۱۸} «مشارکت یک حق انسانی است که به لحاظ ارزشی، به آزادسازی و اعتماد به خویشتن انسان و از لحاظ ابزاری، به بسیج و نقش آفرینی توده های انسانی در فرایندهای عملی حیات اجتماعی منجر می شود» (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین شاتزو^{۱۹} مشارکت را عبارت از درگیری مستقیم مردم در تصمیم گیری ها از طریق یک سری مکانیزم رسمی یا غیر رسمی می داند (وثوقی و فرجی، ۱۳۸۵؛ مرادی و همکاران، ۱۳۹۲).

مشارکت به عنوان یک فرآیند اجتماعی در قالب دو گرایش عام و خاص قابل بررسی است که گرایش عام را مشارکت سنتی و گرایش خاص را مشارکت مدرن می نامند (حسین زاده و فدایی ده چشمه، ۱۳۹۱). براساس نظر آلن بیرو^{۲۰} از منظر جامعه شناسی "بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) به عنوان حالت یا وضع (امر مشارکت کردن) تفاوت وجود دارد. مشارکت در معنای اول داشتن شرکتی فعالانه در گروه است و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می دهد" (ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۵؛ مرادی و همکاران، ۱۳۹۲). آرنشتاین^{۲۱} (۱۹۶۹) معتقد است که مشارکت مردم در فرایند برنامه ریزی باعث توانمندسازی شهروندان محلی در فرایند برنامه ریزی می شود. این توزیع مجدد قدرت، شهروندان را قادر می سازد تا در حال حاضر از فرآیندهای سیاسی و اقتصادی محروم نشوند، بلکه عمدتاً در آینده مشمول آن نیز شوند (دیویس^{۲۲}، ۲۰۱۰). ساکسنا^{۲۳} (۱۹۹۸) در تلاش برای تعریف اصطلاح مشارکت نشان می دهد که: مشارکت باید شامل همکاری، نفوذ، شریک شدن، توزیع قدرت و کنترل، منافع، منابع، دانش و مهارت از طریق مشارکت ذینفعان در تصمیم گیری بدست آید. مشارکت یک فرایند داوطلبانه است که توسط افراد از جمله محرومین بر نفوذ و یا کنترل تصمیمات آنها تأثیر می گذارد (کوتاس^{۲۴}، ۲۰۱۳؛ به نقل از ساکسنا، ۱۹۹۸).

دیدگاه های فلسفی رایج در مورد مشارکت

خواستگاه دیدگاه های فلسفی در زمینه مشارکت از نظریه های مختلفی در خصوص ساختار و عملکرد جوامع محلی به طور اخص، و از نظریه های مختلفی در زمینه مشارکت به طور اعم می باشد. دانیل استراب به طور کلی دیدگاه های فلسفی مشارکت را به چهار دسته تقسیم می کند که عبارتند از:

- ۱- نظریه همراه ساختن^{۲۵}: در این دیدگاه بدیل آنکه ساکنان محلی قادر به ایفای نقش سازنده در جهت انجام پروژه ها نیستند، مشارکت آن ها تنها می تواند در جهت کاهش مخالفت شان در انجام پروژه ها از طریق دخالت صوری در پروژه باشد.
- ۲- نظریه مشورتی^{۲۶}: در این دیدگاه، برخلاف نظریه همراه ساختن، عقیده بر این که ارزش های مطرح شده از سوی برنامه ریزان و سیاست گذاران در زمینه منافع عموم، ارزش هایی هستند که به طبقه متوسط تعلق دارند و نمی توانند جوابگوی نیازهای اقشار پایین جامعه باشند. بنابراین برقراری ارتباط با این قشر به منظور آشنایی با افکار و اندیشه ها و ارزش های آنان، از مقتضیات برنامه ریزی است.
- ۳- نظریه درمان آموزشی- اجتماعی^{۲۷}: ارتقای وضعیت افراد به وسیله آموزش، که از طریق مشارکت به آن ها داده می شود، همراه با تربیت افرادی مسئول که بتوانند با آزادی سرنوشت خود را به سمتی بهینه رهنمون کنند.
- ۴- نظریه قدرت جامعه^{۲۸}: براساس این نظریه افراد و جوامعی که به دلایل مختلفی از کانون قدرت اجتماعی به دور افتاده اند، بایستی در سیاست گذاری ها دخالت داده شوند (ادیب زاده و همکاران، ۱۳۸۹).

18 - Burkely

19 - Schatzow

20 - Allen Biro

21 - Arnstein

22 - Davis

23 - Saxena

24 - Kotus

25 - Cooperation theory

26 - Consultation theory

27 - Education-Social therapy theory

28 - Community Power theory



همچنین از نظر فلسفی (۱۳۹۰)، مجموعه‌ای از تفسیرهای گسترده از مشارکت در فرایند توسعه عبارتند از:

- ۱- مشارکت در همکاری^{۲۹} (پایین ترین سطح مشارکت)؛
 - ۲- مشارکت در سازماندهی^{۳۰} (بهره‌برداران ماهیت و ساختار سازمان را تعیین می‌کنند)؛
 - ۳- مشارکت به صورت شراکت^{۳۱} (بهره‌برداران با یکدیگر سازمان‌های خود مانند تعاونی‌های کشاورزان و کمیته‌های آبیاری را تشکیل می‌دهند)؛
 - ۴- مشارکت در قالب توانمندسازی^{۳۲} (فرایند قادر ساختن بهره‌برداران به تصمیم‌گیری برای عمل به آنچه برای توسعه خود ضروری می‌دانند)؛
 - ۵- مشارکت برای ظرفیت‌سازی (در راستای خودهمیاری و خوداتکایی برای بهبود و ارتقای کیفیت زندگی کشاورزان).
- ثقفی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۰) مشارکت را در دو سطح ذهنی و عینی مطرح کرده‌اند؛ بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است که در نتیجه اعتماد و سایر عوامل زمینه‌ساز در افراد ایجاد می‌شود؛ همچنین بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند که همان پیوند عینی افراد است.

کلیات طرح ۵۵۰ هزار هکتاری احیاء اراضی کشاورزی خوزستان و ایلام

منشأ طرح احیای اراضی ۵۵۰ هزار هکتاری دشت‌های خوزستان و ایلام حاصل مصوبات سفر مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۵ به استان خوزستان می‌باشد. طرح احیای دشت‌های خوزستان و ایلام در سطح حوزه‌های آبی طرح ۵۵۰ هزار هکتاری که حدود ۵۰۰ هزار هکتار در استان خوزستان و ۵۰ هزار هکتار در استان ایلام می‌باشد و در اراضی پایاب سدهای موجود در ۵ حوزه کرخه، دز، کارون، مارون و زهره و خیرآباد در ذیل شبکه‌های اصلی احداث شده‌اند و یا در حال اجرا می‌باشند تعیین شد. همچنین این طرح در قالب اجرای شبکه‌های فرعی، زهکش زیر زمینی، و تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی انجام می‌شود؛ که حجم عملیات در کل پروژه: شبکه فرعی آبیاری ۵۵۰ هزار هکتار، زهکش زیر زمینی ۴۱۲ هزار هکتار، تجهیز و نوسازی ۵۱۶ هزار هکتار می‌باشد. این طرح در استان خوزستان در شهرستان‌های آبادان، اهواز، اندیمشک، امیدیه، بهبهان، شوش، شوشتر، دزفول، دشت آزادگان، رامشیر، رامهرمز، خرمشهر، حمیدیه، هویزه، هندیجان و شادگان در حال اجرا می‌باشد (گانه‌نامه خبری و اطلاع رسانی موسسه جهاد نصر، ۱۳۹۴).

اهمیت طرح ۵۵۰ هزار هکتاری در توسعه کشاورزی استان خوزستان

پراکندگی اراضی به وضعیتی اطلاق می‌شود که اراضی متعلق به هر زارع در محدوده یک مزرعه در نقاط متعددی پراکنده، و غالباً این قطعات در فواصل دور از هم واقع شده‌اند (توکلی و اکبری فرد، ۱۳۷۲؛ جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۸). از دیرباز پراکندگی اراضی زراعی کشاورزی در بسیاری از کشورهای جهان وجود داشته و در کشورهای پرجمعیت آسیا و خاور دور از شدت بیشتری برخوردار بوده است و مشکلات زیادی داشته است (توکلی و اکبری فرد، ۱۳۷۲؛ جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۸). پراکندگی و کوچکی اراضی کشاورزی موجب شده تا فرایند تولید محصولات کشاورزی به صورت سنتی انجام گیرد و امکان استفاده بهینه از فناوری و امکانات نوین کشاورزی مقدور نباشد. از طرفی با رشد روزافزون جمعیت، تولیدات کشاورزی به شیوه سنتی جوابگوی تقاضای جمعیت نخواهد بود که برای جوابگویی به تقاضای موجود، مسئولان سیاست واردات را اتخاذ می‌کنند که این امر باعث خروج ارز از کشور و بدتر شدن وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستاییان می‌شود و همچنین به دلیل اقتصادی نبودن تولیدات موجب مهاجرت آنان به نقاط شهری می‌شود (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین پراکندگی اراضی کشاورزی دارای معایب دیگری نیز می‌باشد که مهمترین آنان عبارتند از:

²⁹ - Contribution

³⁰ - Organization

³¹ - Partnership

³² - Empowerment



- ۱- عدم کارایی تراکتور و سایر ماشین آلات کشاورزی در اراضی قطعه قطعه و پراکنده، به دلایل تخریب مرزهای بین قطعات، سخت شدن بخش‌هایی از زمین که تراکتور از روی آن‌ها عبور می‌نماید، نبود فضای لازم برای مانور تراکتور و سایر ماشین آلات، شخم نخوردن بخش‌هایی از زمین کشاورزی
- ۲- اتلاف آب کشاورزی به دلیل طی مسافت طولانی در جوی‌های اصلی و فرعی روستا
- ۳- اتلاف نیروی کار کشاورزی
- ۴- عدم امکان اجرای طرح‌های عمرانی
- ۵- اقتصادی نبودن کشاورزی در قطعات کوچک و پراکنده
- ۶- عدم امکان مبارزه اصولی با آفات و امراض گیاهی
- ۷- آثار نامساعد پراکندگی بر روابط اجتماعی روستاییان که غالباً موجب نزاع بین صاحبان اراضی کوچک می‌شود (و ثوقی و فرجی، ۱۳۸۵).

پس به منظور رفع این مشکلات، راهکار تجهیز و نوسازی و یکپارچه سازی اراضی پیشنهاد می‌گردد (شهبانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴). مفهوم یکپارچه‌سازی در فرهنگ‌نامه‌ها با تعابیر گوناگونی ارائه شده است؛ در فرهنگ کشاورزی ایران از یکپارچه‌سازی به معنای حفاظت یاد شده است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۳). این واژه در فرهنگ عمید به معنای «درست، تمام، کامل، و نقیض تکه تکه» به کار رفته است (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۸). افتخاری (۱۳۷۴) به نقل از دایرةالمعارف بریتانیکا^{۳۳}، یکپارچه‌سازی را به معنا و مفهوم «فرآیندی که قسمت‌های پراکنده را به یک واحد کامل تبدیل می‌کند» و یا به عنوان «تخصیص مجدد کل اراضی در درون یک منطقه میان بهره‌برداران در طول یک دوره سیستم تحول، تغییر و تعدیل اراضی بدون از دست دادن زمین برای بهبود و ثمر بخشی» تعریف کرده است. همچنین در فرهنگ اصطلاحات علمی و فنی به معنای «اصلاح خاک و اصلاح شبکه آبیاری و اراضی به هم پیوسته» تعریف شده است (و ثوقی و فرجی، ۱۳۸۵).

یکپارچه‌سازی اراضی عبارت است از به هم پیوستن اراضی پراکنده زارعان یک روستا بدون ایجاد تغییر در میزان مالکیت آنان و همچنین فرایندی از اصلاحات ارضی است که در آن تغییر پراکندگی زارعان با شکل جدید بهره‌برداری در یک مکان و یا در چند مکان صورت می‌گیرد (خاص شیرازی و همکاران، ۱۳۹۱؛ امیرنژاد و رفیعی، ۱۳۸۸). هدف از یکپارچه‌سازی زمین در کشورهای مختلف متفاوت است، و در هر کشوری تحت تأثیر روند تاریخی، فرهنگ، سنت‌ها و قانون قرار دارد (ویتیکینن^{۳۴}، ۲۰۱۴؛ به نقل از ویتانن^{۳۵}، ۲۰۰۰). بنابراین به طور کلی هدف از اجرای چنین فرآیندی نه تنها یکپارچه کردن قطعات پراکنده و به حداقل رساندن این قطعات می‌باشد، بلکه دستیابی به توسعه اقتصادی در نواحی روستایی از طریق فراهم کردن زمینه‌های بهره‌برداری بهینه از عوامل تولید و افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی می‌باشد. تحقق این هدف زمانی میسر می‌شود که یکپارچه‌سازی را به عنوان یک نگرش سیستمی و فرایندی در مطالعات و برنامه‌ریزی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات عملی مورد توجه قرار گیرد و همراه با سایر طرح‌های توسعه روستایی و توسعه کشاورزی توأم و یکپارچه بکار گرفته شود (یاسوری و همکاران، ۱۳۸۶).

رضایی مقدم و همکاران (۱۳۹۳) معتقدند یکپارچه کردن به معنی تجمع قطعات خرد شده زارعین و به عبارتی دیگر اتخاذ تدابیر لازم برای اعمال تکنیک‌های زراعی به منظور جلوگیری از خرد شدن بیشتر زمین و رفع مشکلاتی از قبیل عدم اجرای صحیح اصول حفاظت خاک، آبیاری، زهکشی و غیره می‌باشد؛ بگونه‌ای که یکپارچه‌سازی اراضی کوچک باعث بهبود وضع اقتصادی و در نتیجه بالا رفتن سطح زندگی زارعین می‌گردد. پاساکارنیس و مالین^{۳۶} (۲۰۱۰) نیز معتقدند یکپارچگی مالکیت زمین ممکن است یک ابزار مؤثر و فعال مدیریت زمین باشد که نه تنها مشکلات قطعه قطعه شدن زمین را نشان می‌دهد، بلکه، اگر حساسیت اعمال شود، ممکن است ابزاری برای ارائه توسعه پایدار روستایی در زمینه گسترده‌تری باشد. همچنین یکپارچه‌سازی زمین باعث گسترش مزارع بزرگ که اعتقاد بر مفید بودن آن-

³³ - Encyclopedia Britanica

³⁴ - Vitikainen

³⁵ - Viitanen

³⁶ Pasakarnis & Maliene



هاست، و باعث کاهش هزینه‌های ثابت در هر واحد از زمین، و استفاده کارآمدتر از فن آوری و در نهایت افزایش بهره‌وری و کارایی می‌شود (لرمن^{۳۷} و سیمپوئیز^{۳۸}، ۲۰۰۶).

از طرفی یکپارچه‌سازی زمین، به شکل‌های مختلف در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته است. یکپارچه‌سازی از لحاظ عاملان اجرایی، به دو طبقه یکپارچه‌سازی خودجوش و یکپارچه‌سازی غیرخودجوش تقسیم می‌شود. در یکپارچه‌سازی خودجوش، عامل اصلی اجرا، کشاورزان هستند که دست به اقدام می‌زنند و فعالیت‌هایی از جمله سازماندهی، ترغیب دیگران و جلب مشارکت افراد را در مراحل مختلف کار انجام می‌دهند؛ و روش‌های مناسب یکپارچه‌سازی نیز با اتکای به نیروهای داخلی روستا انجام می‌گیرد. این نوع یکپارچه‌سازی بعد از اصلاحات ارضی در برخی از روستاها اجرا شده است. درحالی که در یکپارچه‌سازی غیر خودجوش، نقش عوامل غیر بومی (دولتی) بسیار تعیین کننده می‌باشد (پورمرعشی، ۱۳۷۵). فائو^{۳۹} (۲۰۰۸) اثرات یکپارچه‌سازی زمین را در سه سطح طبقه‌بندی کرد:

۱- در سطح خرد که در آن یکپارچه‌سازی زمین روی تغییر ساختار مزرعه و تغییر فوری محیط زیست تمرکز کرده است تا کشاورزان را قادر سازد که رقابتی بیشتر داشته باشند.

۲- در سطح متوسط که در آن یکپارچه‌سازی زمین اهدافی گسترده‌تر برای تغییر جوامع روستایی با بهبود زیر ساخت‌ها (به عنوان مثال جاده‌ها، سیستم‌های آبیاری و زهکشی، تاسیسات نصب و دفع آب)، محیط زیست طبیعی، مدیریت منابع طبیعی، چشم انداز و در نتیجه، توزیع فضایی از فعالیت‌های اقتصادی دارد.

۳- در سطح کلان بر تغییراتی که می‌تواند اثرات مثبت بر کل کشور داشته باشد، تمرکز دارد: با کاهش نابرابری بین مناطق شهری و روستایی؛ تضمین استفاده کارآمد تر و چند وجهی از فضای روستایی؛ بهبود رقابت کلی از بخش کشاورزی و روستایی؛ ایجاد اعتماد بین دولت ها و ساکنان مناطق روستایی؛ و افزایش معاملات زمین (دمتریو و همکاران^{۴۰}، ۲۰۱۲؛ به نقل از فائو، ۲۰۰۸).

ابعاد و ضرورت مشارکت بهره‌برداران در طرح ۵۵۰ هزار هکتاری

از آنجا که طرح ۵۵۰ هزار هکتاری احیاء تجهیز و نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی در داخل مزارع و اراضی کشاورزان و بهره‌برداران صورت می‌گیرد، به طور مستقیم با ابعاد مالکیت اراضی، مدیریت توزیع آب، کاسته شدن از اراضی مالکین قطعات به دلیل اجرای شبکه و... به طور کامل با ابعاد اجتماعی و حساسیت‌های محلی و مردمی مواجه می‌باشد، لذا مواجهه با منافع و حساسیت‌های مردمی ایجاب می‌کند که به امور اجتماعی، جلب مشارکت مردم در طرح و رفع نگرانی‌ها و دغدغه‌ها، همچنین توانمند سازی آنها توجه شود. از این رو قبل از شروع امور اجرایی و فنی طرح از کشاورزان و بهره‌برداران دعوت به مشارکت و همکاری می‌شود و همچنین در بخش امور اجتماعی، تشکلهای و نظام بهره‌برداری برای مدیریت صحیح از منابع شکل می‌گیرد (گاهنامه خبری و اطلاع رسانی موسسه جهاد نصر، ۱۳۹۴). بنابراین قبل از اجرای طرح تجهیز و نوسازی اراضی باید برنامه‌های وسیعی شامل برنامه‌ریزی منطقه‌ای و محلی، تهیه و آماده‌سازی زیرساخت‌های روستایی، تأمین اعتبارات و بازسازی نهاده‌ها و تشکلهای روستایی انجام گیرد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۲). در این راستا مطالعه سوابق مشارکت و الگوهای مشارکت سنتی و محلی ضروری بوده و بر مبنای آنها و ویژگی‌های اجتماعی طراحی لازم برای مشارکت بهره‌برداران در مراحل مختلف اجرای طرح یعنی آزادسازی اراضی، عملیات یکپارچه‌سازی و هندسی‌سازی، تجهیز و نوسازی و تحویل اراضی و واگذاری شبکه‌های آبیاری و زهکشی صورت گیرد. به عبارت دیگر با توجه به مختصات اجتماعی منطقه بهره‌برداران در قالب تشکلهای کارآمد متشکل گردند.

نتیجه‌گیری

طرح تجهیز و نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی می‌تواند به عنوان ابزاری بسیار مهم در راهبردها و طرح‌های توسعه روستایی قلمداد شود، به گونه‌ای که کیفیت زندگی روستاییان را از طریق بهبود مدیریت منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست، ارائه خدمات و زیرساخت‌ها، ایجاد فرصت‌های شغلی و بهبود شرایط در روستاها و بهبود ساختار مالکیت زمین‌های کشاورزی افزایش دهد. به همین منظور برای دستیابی به

³⁷ -Lerman

³⁸ - Cimpiois

³⁹ -FAO

⁴⁰ - Demetriou et al



توسعه مورد نظر، باید با تأکید بر همه ابعاد انسانی و محیطی در فرآیند توسعه، شیوه‌های مشارکتی و ارتباطی را در چارچوب توسعه پایدار نهادینه کرد. بنابراین لازمه دستیابی به توسعه پایدار، مشارکت همه جانبه روستاییان و کشاورزان در برنامه‌های توسعه می‌باشد، چراکه بدون همکاری آنان هرگونه طرح توسعه با مشکل روبه رو خواهد شد. از آنجایی که طرح ۵۵۰ هزار هکتاری احیاء اراضی کشاورزی خوزستان و ایلام هزینه‌های کلانی را می‌طلبد، با مشارکت واقعی بهره‌برداران در مراحل مختلف اجرا و بهره‌برداری از آن و در سایه اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل این طرح می‌تواند ضمن رسیدن به اهداف خود از اتلاف منابع مالی نیز جلوگیری نماید.

منابع

- ۱- ادیب زاده، ب؛ و عسگری تفریشی، ح و حسینی، ا. (۱۳۸۹). مهندسی اجتماعی و نقش مشارکت مردمی در تحقق پذیری نوسازی در بافت‌های فرسوده شهری (نمونه موردی: محله نعمت آباد، منطقه ۱۹، تهران). دو فصلنامه دانشگاه هنر، (۴)، ۱۵۸-۱۴۱.
- ۲- افتخاری، ر. (۱۳۷۴). بررسی دیدگاه‌های مختلف در ارتباط با فرآیند یکپارچه‌سازی اراضی زراعی (قسمت اول). تحقیقات جغرافیایی، ۳۷، ۴۲-۲۵.
- ۳- افروخته، ح؛ و حجتی پور، م و گرزین، م و نجاتی، ب. (۱۳۹۲). جایگاه توسعه پایدار کشاورزی در برنامه‌های توسعه ایران (مورد: برنامه‌های پنج ساله پس از انقلاب). فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، (۱)، ۶۲-۴۳.
- ۴- امیرنژاد، ح؛ و رفیعی، ح. (۱۳۸۸). ارزیابی اقتصادی و مالی یکپارچه‌سازی اراضی روستایی دشت هراز در استان مازنداران. فصلنامه روستا و اقتصاد، ۱۲(۴)، ۱۲۳-۹۹.
- ۵- پور طاهری، م؛ و سجاسی قیداری، ح و صادق لو، ط. (۱۳۸۹). سنجش و اولویت بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی، با استفاده از تکنیک رتبه بندی براساس تشابه به حل ایده آل فازی (مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده). فصلنامه پژوهش‌های روستایی، (۱)، ۳۱-۱.
- ۶- پورمرعشی، م. (۱۳۷۵). یکپارچه‌سازی زمینهای کشاورزی در ایران و کشورهای دیگر. مجله برنامه و بودجه، (۱۲)، ۸۴-۵۹.
- ۷- توکلی، ا، و اکبری فرد، ح. (۱۳۷۲). تأثیر یکپارچگی اراضی کشاورزی بر تولید (مورد: مناطق لنجان و فلاورجان، استان اصفهان). مجموعه مقالات دومین سمپوزیوم سیاست کشاورزی ایران. ۳۳۷-۳۲۵.
- ۸- ثقفی نژاد؛ م، و پورکسمایی، م و فلاحي گیلان، ر. (۱۳۹۰). تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان (مطالعه موردی زنام ۲۹-۱۵ سال منطقه ۱۸ و ۲ شهر تهران). فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایران، (۲)، ۴۰-۲۹.
- ۹- جمشیدی، ع؛ و تیموری، م و حاضری، م و روستا، ک. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر مشارکت کشاورزان در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی استان ایلام: مطالعه موردی شهرستان شیروان و چرداول. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۲(۱)، ۱۲۷-۱۰۹.
- ۱۰- حسین زاده؛ ح، و فدائی ده‌چشمه، ح. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهر شهرکرد). فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری، ۲(۵)، ۸۲-۵۹.
- ۱۱- خاص شیرازی؛ ح، و معتمد، م و جهانگیری، ش. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شالیکاران در پذیرش و اجرای طرح یکپارچه‌سازی و تجهیز و نوسازی شالیکاری (مطالعه موردی شهرستان رشت). همایش ملی توسعه روستایی، رشت، دانشگاه گیلان، ۶-۱.
- ۱۲- خسروی پور؛ ب، و فروشانی، ن. (۱۳۹۰). مشارکت زنان و توسعه پایدار روستایی. مجله کار و جامعه، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی، (۱۳۲-۱۳۳)، ۶۸-۵۶.
- ۱۳- رستمی؛ ف، و مرادی، خ و گراوندی، ش و افشارزاده، ن و قنبرعلی، ر و زرافشانی، ک و فرهادی، م. (۱۳۹۲). ارزیابی مشارکتی طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی دشت میان‌دربند شهرستان کرمانشاه از نگاه کشاورزان. فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۴(۲)، ۲۹۵-۲۸۳.
- ۱۴- رضائی مقدم؛ ک، و رحیمی، س و بخشوده، م. (۱۳۹۳). عوامل فردی، اقتصادی، اجتماعی، محیطی و زراعی مؤثر بر پذیرش یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی: مورد مطالعه شهرستان شیراز. فصلنامه تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۶(۲)، ۱۵۷-۱۳۵.



- ۱۵- زاهدی؛ ش. (۱۳۸۲). چالشهای توسعه پایدار از منظر اکوتوریسم. مجله مدرس علوم انسانی، ۷(۳)، ۱۰۴-۸۹.
- ۱۶- زاهدی؛ ش. و نجفی، غ. (۱۳۸۵). بسط مفهومی توسعه پایدار. مجله مدرس علوم انسانی، ۹(۴)، ۷۶-۴۳.
- ۱۷- زندیه؛ م. و حصاری، پ. (۱۳۹۱). تداوم معماری مسکن روستایی با انگیزه توسعه پایدار روستایی. مجله مسکن و محیط روستا، ۱۳۸(۷۲)، ۶۳-۷۲.
- ۱۸- ساروخانی؛ ب. و امیرپناهی، م. (۱۳۸۵). ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی. مجله پژوهش زنان، ۴(۳)، ۶۰-۳۱.
- ۱۹- سرور؛ ر. و موسوی، م. (۱۳۹۰). ارزیابی توسعه پایدار شهرهای استان آذربایجان غربی. فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، ۹(۲۸)، ۲۸-۷.
- ۲۰- سروستانی؛ م. و پروین، ا. بقایی، ح. و کردانی، م. بقایی، ل. (۱۳۹۱). بررسی نقش و اهمیت مشارکت جوامع روستایی در طرحهای توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی: پروژه آبیاری میاناب شوشتر). همایش ملی توسعه روستایی، ۱(۱)، ۸-۱.
- ۲۱- شهابی نژاد؛ م. و یوسفی، ع. و امینی، ا. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان به مشارکت در طرحهای یکپارچه سازی اراضی در بخش میمه استان اصفهان. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۵(۳۷)، ۲۴-۷.
- ۲۲- عباسی؛ ع. و باسامی، ا. و فرهادیان، ه. (۱۳۹۳). تحلیل اثرات طرح یکپارچه سازی اراضی کشاورزی پایین دست سد گلباغ، شهرستان بیجار. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۷(۲)، ۱۶۴-۱۴۳.
- ۲۳- علی الحسابی؛ م. (۱۳۹۰). نقش سازمان های مردم نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی نمونه موردی: بندر لافت. مجله مسکن و محیط روستا، ۱۳۴(۴۸)، ۳۵-۴۸.
- ۲۴- فداکارداورانی؛ م. و سام آرا، ع. (۱۳۸۹). نقش قنات در توسعه پایدار روستایی. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۳(۲)، ۱۹۱-۱۶۷.
- ۲۵- فعلی؛ س. و صدیقی، ح. و پزشکی راد، غ. میرزایی، آ. (۱۳۸۹). چالش های جوامع روستایی ایران برای دستیابی به توسعه پایدار. نشریه روستا و توسعه، ۱۳(۴)، ۱۲۸-۹۷.
- ۲۶- فلسفی؛ پ. (۱۳۹۰). بررسی نگرش کشاورزان روستاهای شهرستان بوئین زهرا نسبت به نقش آفرینی نظام ترویج کشاورزی در ایجاد زمینه های مشارکت نهادمند آنان در تحقق اولویت های بخش کشاورزی. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۹(۷۵)، ۲۴۰-۲۰۹.
- ۲۷- کریم؛ م. و هاشمی، ا. (۱۳۸۸). نظر سنجی از روستاییان در مورد چالش های توسعه پایدار روستایی: مطالعه موردی دهستان ساروق، شهرستان اراک. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۲(۲)، ۱۷۸-۱۵۵.
- ۲۸- کریمی؛ ف. و احمدوند، م. (۱۳۹۳). وضعیت سنجی و اولویت بندی شاخص های توسعه پایدار در مناطق روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان بویراحمد). فصلنامه پژوهش های روستایی، ۵(۳)، ۶۹۰-۶۳۳.
- ۲۹- گل شیرینی اصفهانی؛ ز. و خادمی، ح. و صدیقی، ر. و تازه، م. (۱۳۸۸). تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان: مطالعه موردی بخش گندمان، شهرستان بروجن. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۲(۱)، ۱۶۷-۱۴۷.
- ۳۰- گاهنامه خبری و اطلاع رسانی موسسه جهاد نصر. (۱۳۹۴). ۳(۵)، ۶۴-۱.
- ۳۱- مرادی؛ م. و فال سلیمان، م. و ابطحی نیا، آ. (۱۳۹۲). شناخت عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان به مشارکت در اجرای طرح یکپارچه سازی اراضی زراعی (مورد: شهرستان خوسف). فصلنامه جغرافیا و توسعه، ۳۲(۳)، ۱۰۲-۸۹.
- ۳۲- مهدوی؛ م. و ضیانوشین، م. و رمضان زاده لسبویی، م. (۱۳۸۹). توسعه پایدار کشاورزی (زراعت و باغداری) با تاکید بر پایداری منابع آب (مطالعه موردی: دهستان کوهین، همدان). فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیا، ۴(۱۳)، ۹۷-۷۹.
- ۳۳- میرزایی؛ ح. و طالب، م. و کاکه پور، م. (۱۳۹۴). ریشه یابی دلایل موافقت و مخالفت کشاورزان با مشارکت در طرح های یکپارچه سازی اراضی (مورد مطالعه: روستاهای منتخب شهرستان بوکان). فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی، ۴۷(۲)، ۳۴۹-۳۳۷.
- ۳۴- ناصری؛ م. و فرهادیان، ه. و عباسی، ع. و خسروانی، ف. (۱۳۹۴). نقش شرکت های سهامی زراعی در بهبود شاخص های توانمندسازی کشاورزان عضو: مطالعه موردی جنوب استان خراسان جنوبی. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۸(۲)، ۶۳-۳۹.



۳۵- وثوقی؛ م، و فرجی، ا. (۱۳۸۵). پژوهشی جامعه شناختی در زمینه عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی (مطالعه موردی روستاهای زرین دشت). مجله جامعه شناختی ایران، ۷(۲)، ۱۱۸-۱۰۱.

۳۶- یاسوری؛ م، و جوان، ج، و صابونچی، ز. (۱۳۸۶). بررسی اثرات اقتصادی اجرای طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی (نمونه: شهرستان اراک). نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، ۵(۱۴و۱۵)، ۸۴-۶۷.

37- Davis, K. N. (2010). Exploring the level of public participation in planning: A case study approach (Doctoral dissertation, The University of Alabama Tuscaloosa).

38- Demetriou, D., Stillwell, J., & See, L. (2012). Land consolidation in Cyprus: why is an integrated planning and decision support system required?. *Land Use Policy*, 29(1), 131-142.

39- Harris, J. M. (2000). Basic principles of sustainable development.

40- Kotus, J. (2013). Position of the Polish city on the ladder of public participation: Are we going the right way? The case of Poznań. *Cities*, 35, 226-236

41- Lerman, Z., & Cimpoeș, D. (2006). Land Consolidation As A Factor For Successful Development Of Agriculture In Moldova. Hebrew University of Jerusalem, Department of Agricultural Economics and Management in its series Discussion Papers with, (7171).

42- Moran, D. D., Wackernagel, M., Kitzes, J. A., Goldfinger, S. H., & Boutaud, A. (2008). Measuring sustainable development—Nation by nation. *Ecological economics*, 64(3), 470-474.

43- Pašakarnis, G., & Maliene, V. (2010). Towards sustainable rural development in Central and Eastern Europe: Applying land consolidation. *Land Use Policy*, 27(2), 545-549.

44- Tosun, C. (2001). Challenges of sustainable tourism development in the developing world: the case of Turkey. *Tourism management*, 22(3), 289-303.

45- Vitikainen, A. (2014). An overview of land consolidation in Europe. *nordic Journal of Surveying and real Estate research*, 1(1)